

سیاست اغفال!

خوش باوری بس است

سازمانهای حاکمه ما نسبت به حیاتی ترین مسائل وابسته به موجودیت ملت ایران همچنان دچار خوش باوریهای زیان آوری هستند - این خوش باوریها بخصوص در مسائل مربوط به سیاست خارجی ایران و در مسائل مربوط به شناسایی مخاطرات قطعی و دشمنیهای آشکار که سالان بسیار است بر موجودیت ملت ایران لطمه وارد آورده است و همچنان نیز حیات و هستی ملت ما را مورد تعرض و تهدید قرار داده است اعمال میگردد

فزون از یکقرن است که عوامل مسئول آنها که حیات و سرنوشت ملت ایران را در دستهای خود دارند، بجای آنکه بواقعیات توجه کنند، بجای آنکه حقایق را دریابند، قدرتهائی را که علیه ملت ایران کمین کرده اند بشناسند، دستهای جنایت کاری را که همچنان در گوش و تالشند تا رشته های حیات ملی ما را یکی پس از دیگری بکسند در یابند، بجای آنکه با دیدگانی باز و توطئه های شومی را که دشمنان ملت ایران در این منطقه علیه ما ترتیب میدهند بشناسند، با آگاهی و وقوف کامل بر مسائل وابسته به حیات و زندگی ملی ما، ملت ایران را برای مقابله با مخاطرات آماده نمایند، با توسل بر خوش باوریهای زیان بخش دیرینه میخواهند مشکلات و مسائل را حل نمایند!

در حالیکه چنین روشی نه تنها در سالهای گذشته نیز نتوانسته است برای ادامه زندگی شایسته هیچملتی سودمند باشد، بلکه اکنون که زمانیش از هر هنگام دیگر ایجاب مینماید تا سیاست و روش صریح و آشکار برای دفاع از اصول زندگی ملت ها و حقوق وابسته به ملت، نحوه کار رهبران و مسئولان هرملتی باشد، ما باید با آگاهی و اتکاء هر چه بیشتر بر واقعیات راه پروری را در این جهان پر تلاطم در یابیم و ملت ایران را با آشنا ساختن بواقعیات و خطراتی سهمگین که دورادور او را احاطه نموده است برای یک تجهیز وسیع ملی و انجام نبردی بزرگ و پیروزی بخش آماده سازیم.

از جمله این خوش باوریها، خوش باوری نسبت به روش «حکومت عراق» است - سفیر دولت «مخلوق استعمار» - سفیر دولتی که از بدو تأسیس تا کنون، جز در راه تجاوز و تعدی به حقوق ملت ایران کام بر نداشته است - سفیر حکومتی که ایجاد و ادامه حیات آن از ابتدا تا کنون، بدنبال اجرای

از زمان ایجاد تحول صنعتی در اروپا و بدنبال سیاست «بندست آوردن مواد اولیه و منابع خام و تسلط بر بازارهای فروش» آثار اجرا و اعمال دو نوع سیاست استعماری «دیرین» و «نوین» را در حوادث و وقایع چهار گوشه جهان میتوان ملاحظه نمود - در مناطقی که هنوز قدرت های گوناگون استعماری نفوذ وریشه نندوانیده بودند و فقط یکی از استعمارگران آن سرزمین هارا در چنگال خود گرفته بود، سیاست «اغفال نظامی و خون و آتش و قتل عام ساکنان آن مناطق» پایه و اساس یغمای منابع و تاراج مواد خام گردیده بود - لکن در سر

زمینهایی که قدرت های استعماری بایکدیگر رقابت داشتند و یا - جنبش های همگانی و قیام های عمومی برای باز کردن نیبرهای اسارت ایجاد شده بود، و سرزمین هائی که مردم علیه استعمار خود نین و سیاه دیرین قیام میکردند و برای وصول به آزادی و ایجاد نظم ملی و اجتماعی خود کوشش داشتند، استعمارگران با توسل به حرب «استعماری نوین» توطئه های خود را مورد اجرا میگذاردند و بدنبال اجرای طرح های خود به یغما و چپاول منابع اولیه و مواد خام ملت های استعمار شده اقدام می کردند و آنان را در زنجیر های اسارت اقتصادی و سیاسی و فرهنگی خویش فرو می بستند.

روش سیاسی و تبلیغاتی «استعمار نوین» دقیقاً منطبق بر نحوه استنباط و ادراک «استعمار نوین» نسبت به مسائل اقتصادی جهانی بود - قبلاً توضیح داده شد که چگونه «قدرت صنعتی و اقتصادی» جایگزین بقیه در صفحه ۳

صدای

پیش مرگان کرد

گروهی از سربازان حکومت عراق که بیکی از پایگاههای پیشمرگه در آبادی «بوپان» واقع در منطقه جاف بین فرمانداری «کفری» و کوهستان قره داغ حمله کرده بودند پس از یک نبرد شدید شکست خوردند و با دادن چند کشته عقب نشستند.

چند پاسگاه سربازان عراقی که در جاده اسفاله بین «سید صادق» و «ناپارین» در استان سلیمانیه واقع گردیده است از سوی پیشمرگه های کرد مورد حمله قرار گرفت و سربازان ارتش نجات بخش کرد این پاسگاهها را با نارتجک ویران ساختند.

در نزدیکی «گانی مانکا» واقع در استان سلیمانیه پیشمرگه های پاسگاه مهم ارتش عراق را مورد حمله قرار دادند و پس از تصرف آن مقدار زیادی اسلحه و مهمات بنوعیت بردند.

خاک و خون

ساخت ناسیونالیسم گلین (۴) از : دکتر فضل الله صدر

سخنی درباره: مفهوم علمی و اجتماعی حزب

حزب بمفهوم واقعی و حقیقی خود عبارت از سیستمی از تجمع افراد و تجهیز و بسیج آنها برای تحقق بخشیدن بآرمانهای مشخص و پی ریزی نظامی نومی باشد

مرحله دوم، مرحله سازندگی و آفرینندگی یک حزب است. اگر نظری بنابرین مبارزات احزاب سیاسی جهان بیفکیم خواهیم دید که در همه کشورها احزابی توانسته اند در سرنوشت ملت و کشور خود موثر باشند و سازنده عصری در تاریخ خویش گردند که عوامل لازم آفرینندگی شایسته آن است که این وظیفه

بزرگ را بعهده بگیرد و نظمی نو و اساسی نورا شالوده بریزد. اگر نظری بنابرین مبارزات احزاب سیاسی جهان بیفکیم خواهیم دید که در همه کشورها احزابی توانسته اند در سرنوشت ملت و کشور خود موثر باشند و سازنده عصری در تاریخ خویش گردند که عوامل لازم آفرینندگی شایسته آن است که این وظیفه

از : دکتر عاملی تهرانی

باز هم چرا بر نمیگردند؟ مشکل طبابت در شهرهای کوچک ایران

در این باره که چرا فارغ التحصیلان ایرانی بزمین باز نمی گردند تا کنون مطالبی نوشته ایم که اینک بخلاصه ای از آن اشاره می کنیم و سپس گوشه دیگری از این مسئله را روشن میسازیم:

از : آرمان

حقیقت اندیشه انتر ناسیونالیسم جهان از نظر «استعمار نوین» استنباط ((استعمار نوین)) پایه اندیشه انتر ناسیونالیسم

از زمان ایجاد تحول صنعتی در اروپا و بدنبال سیاست «بندست آوردن مواد اولیه و منابع خام و تسلط بر بازارهای فروش» آثار اجرا و اعمال دو نوع سیاست استعماری «دیرین» و «نوین» را در حوادث و وقایع چهار گوشه جهان میتوان ملاحظه نمود - در مناطقی که هنوز قدرت های گوناگون استعماری نفوذ وریشه نندوانیده بودند و فقط یکی از استعمارگران آن سرزمین هارا در چنگال خود گرفته بود، سیاست «اغفال نظامی و خون و آتش و قتل عام ساکنان آن مناطق» پایه و اساس یغمای منابع و تاراج مواد خام گردیده بود - لکن در سر

نامه ای از تفرش رسیده است درخور توجه بسیار، ابتدا عین قسمتهائی از آن را که ضمایحی از خلاصه مطلب است از نظر خوانندگان میگذرانم و سپس پیرامون آن بحث میکنم، اما نامه بعد عنوان... خواستم حقایق را برایتان روشن کنم تا با درج آن ملت ایران را در جریان بگذارید... در دستکاهی کار میکنم که وظیفه اش حفظ جان مردم و بهداشت عمومی است یعنی وزارت بهداشتی... برای آنکه در جریان وارد باشید قسمت کوچکی از آنچه دیده ام برای شما شرح میدهم، من کارمند کوچکی در بهداشتی شهرستان تفرش هستم از روزیکه

تفسیر

دیروز گفتگوهایی را در دولت آمریکا و ویتنام جنوبی در هونولولو آغاز کردید. گرچه هنوز نتیجه این گفتار من معلوم نیست ولی رهبران دو کشور در طی یک

از : تماشاگر

صحنه اول - یکی از ساختمانهای جالب اصفهان، محل دبیرستان و دبستان هراتی است که گویا دوازده سال پیش توسط ایشان برای ایجاد دبیرستان و دبستان هراتی بوزارت فرهنگ آن زمان وزارت آموزش و پرورش کنونی واگذار شده است - تماشاگر تا بخاطر دارد، هر زمان که باصفا هائی که نیمه جهان نش

میگفتند سری میزد، چون دیگر مردم از اینکه یکی از هموطنان ما چنین گامی پرارزش برداشته و محلی آبرومند برای دبیرستان و دبیرستان بنیان گذارده است بر او آفرین میفرستادم، غافل از اینکه گویا در آن اکنون خیالی دیگر درس پخته اند و بجاست که مقامات مربوطه آموزش و پرورش مراقب این موضوع باشند و چنین است داستان به نقل از شماره ۵۰۴ روزنامه خبرهای روز اصفهان: «گویا قوانین و مقررات و آئین نامه تأسیس دبیرستان و دبیرستان ملی اینست که مقاصبان برای صدور امتیاز قبلاً بایستی محلی را که جهت تأسیس و تشکیل اینکار در نظر گرفته و تخصیص داده اند معرفی و بنظر مسئولان امر برسانند حالا این سؤال پیش میآید که اگر امتیاز تأسیس دبیرستان و دبستان ملی هراتی برای محل دیگری صادر شده جای دیگری غیر از دبیرستان هراتی است که پیش از دوازده سال است آموزش و پرورش و فرهنگ اصفهان در آن میلیون ها توهان سرمایه بقیه در صفحه ۳

چرا...؟! معلوم نیست

معلوم نیست بجه مناسبت در هر شرایطی ملت ایران باید طرف بردبار و صبور و متحمل هر حادثه و تجاوزی باشد؛ بجه مناسبت هر کس و هر دولتی حتی در هر درجه از ضعف و نابسامانی و ناتوانی باشد باید بتواند پنجه بر صورت ما بکشد و دست تجاوز بحقوق ملت ما را درازان ما به پیش آورد؛ آنگاه ما در این تجاوز و صبور و بردبار باشیم؟ تاریخ و گردش چرخ روزگار، هیچگونه نشان افتخار بر سینه ملت هائی نرزد است که در کشاکش حوادث و بر خورد با تجاوزها و یورشها، همواره طرف بردبار و شکست خورده اند. اگر اکنون، پس از طی هزاران سال، هنوز ملت ایران بر روی پای خود ایستاده است - اگر اکنون از میان حوادث گذشته و فرازونشیب زمانهای ماضی، رشته استقلال و موجودیت و حیات ملت ایران تا بدین زمان کشیده شده است، سبب آن نیست که این نژاد در این سرزمین، برابر یورش و هجوم و تجاوز سر تمکین فرود آورده، سبب این است، آنها که پیش از ما، در این سرزمین میزیستند، برابر تجاوز و یورش و ظلم و ستمی قدر دانگی بر افراشتند و از نژاد و فرهنگ و آئین خود دفاع نمودند.



پیش مرگان نبرد آفرین کرد، خستگی رزم گران خود را با دشمنان آئین و فرهنگ خویش در پناه پایکوبی و دست افشانی از تن بدرمی کنند

پس چرا شما پناه نمیدهند..؟! داستانی غم انگیز، از آن سوی مرز

آقای امیر درویش عام هم میهن کرد، داستانی تحت عنوان غرور افسانه آسای کردهای ایرانی برای ما فرستاده اند که در آن عواطف نژادی و خصائص ملی پس از گذشت قرون و اعصار همچنان موج میزند و در بیخ آمده که آن را توشه راه خوانندگان گرامی نسازیم.

و پرمایه امروز آتش فشانهای قرون و اعصار این زنجیره کوههای سر بفلک کشیده را بیادماندازد. بقیه در صفحه ۲

تجاوز عمال ((حکومت عراق)) بمرز ایران

باز هم تجاوزهای ناجوانمردانه و توطئه های تنگ بین افراد حکومت عراق قلبهای ایرانی پرتستان را آکنده از خشم و اندوه ساخت. باز هم چریکهای مسلح حکومت عراق در منطقه قصر شیرین بمرزهای کشور شاهنشاهی ایران تجاوز کردند و با مرز داران ایرانی بنزد خود برداختند اما حکومت دست نشانده عراق نه تنها باین تجاوزات پانان نمیدهد بلکه همانگونه که روزنامه ما خبر دادند

از : دکتر عباس روحبخش

جانسون در میان دو قطب

ولی در همان هنگام ژنرال وست مورلند فرمانده کل نیرو - های مسلح ایالات متحده در ویتنام جنوبی ب خبرنگاران گفت: «ویتنام شمالی هر ماه تعداد ۴۵۰۰ تن از افراد نظامی خود را بجنوب اعزام میدارد، در حال حاضر هفتاد و هفت هزار نفر از افراد کمونیست در واحدهای منظم بقیه در صفحه ۴

دروود بر پیش مرگان کرد

ماجان خود را در راه ایران فدا میکنیم از اهواز هنر جوان هنرستان صنعتی شرکت ملی نفت اهواز می نویسند: «مدیر باشمات و ایران پرست روزنامه حکموی خاک و خون، رونوشت جناب آقای نخست وزیر، رونوشت اداره رادیو - ایران. درود ما هنر جوان هنرستان صنعتی شرکت ملی نفت اهواز به شما پرچمداران رستاخیز بزرگی بخش ملت ایران، افتخار بر شما که با آهنگ پرتین خاک و خون پرده از جنایات حکومت بقیه در صفحه ۲

۷۸۱۳ م الف
۶/۱۵۰۰۱
۴۴/۱۱/۱۳
آگهی تاسیس شرکت سهامی ایران لنت
نظر بسماده ۱۹۷ قانون
تجارت و ماده ۶ آئین نامه همان
قانون خلاصه شرکت نامه و اساسنامه
شرکت سهامی ایران لنت که در
تاریخ شانزدهم دیماه ۱۳۴۴
تحت شماره ۱۰۳۷۵ در این
اداره ثبت رسیده برای اطلاع
عموم در روزنامه رسمی کشور
و یکی از جراید کثیرالانتشار
یومیه تهران آگهی می شود.
۱- نام و نوع شرکت. شرکت
سهامی ایران لنت
۲- موضوع شرکت. احوالات
کارخانه تولیدی جهت ساخت
لنت ترمز و صفحه کلاچ و وسائل
مشابه آن
۳- مرکز اصلی شرکت.
تهران فلاحیان امیریه خیابان
انصاری شماره یکصد و پنجاه و پنج
۴- مدت شرکت از تاریخ
یازدهم دیماه ۱۳۴۴ بمسند
نامحدود.
۵- تأییدت شرکت ایرانی
۶- سرمایه شرکت یکمیلیون
ریال
۷- تعداد سهام یکصد سهم
ده هزار ریالی بانام
۸- میزان سرمایه پرداختی
و مبلغی که تعهد شده است تمام بهای
سهام نقدی پرداخت گردیده
است.
۹- موسسین شرکت آقایان
سید جواد اصفهانی - علی اصغر
خائف - سید مصطفی شهیدی -
کاظم کیلی سید محمد باقر شهیدی -
هوشنگ وکیلی
۱۰- طریقه نقل و انتقال
سهام. با امضاء انتقال دهنده و انتقال
گیرنده و ثبت در دفتر انتقالات
سهام بانام شرکت.
۱۱- کسانیکه حق امضاء
بر گهای سهام شرکت را دارند.
رئیس و یکنفر از اعضاء هیئت
مدیره بامهر شرکت
۱۲- هیئت مدیره شرکت.
آقایان سید جواد اصفهانی - سید
محمد باقر شهیدی - کاظم وکیلی
اعضاء هیئت مدیره بمدت چهار
سال میباشد که آقای کاظم وکیلی
بریاست هیئت مدیره و آقای
سید جواد اصفهانی بمدت مدیر
عامل شرکت انتخاب شده اند.
۱۳- طریقه دعوت مجامع
عمومی و دارندگان حق دعوت
بوسیله دعوتنامه مخصوص و
یا آگهی در مجله رسمی دادگستری
و یا یکی از جراید کثیرالانتشار
تهران
۱۴- رسمیت جلسات مجامع
عمومی عادی - با حضور دارندگان
لااقل دوثلث از کلیه سهام شرکت
۱۵- دارندگان حق امضاء
در شرکت. کلیه اوراق و اسناد
بهاذاور و قراردادها با امضاء دونفر
از سه نفر اعضاء هیئت مدیره متفقاً
بامهر شرکت خواهد بود.
۱۶- بازرسی شرکت. آقای
علی اصغر خائف
۱۷- میزان کسر سرمایه
ذخیره از سود و پاره صدی ده
۱۸- تعداد سهامی که متعلق به ایران
باید در صندوق شرکت تودیع
نمایند هر یک لااقل پنج سهم
۱۹- انحلال شرکت طبق
ماده ۹۳ قانون تجارت است.
رئیس اداره ثبت شرکتها و مالکیت
صنعتی - مهدی نراقی
۲۲۹-آ

۷۸۹۲ م الف
۱۲۴۴۱۱۱۳
۴۳۶۰۶۱۷
آگهی مناقصه شماره ۴۴۱۹
شرکت سهامی تلفن ایران
شرکت سهامی تلفن ایران تعداد یک هزار اصله تیر
چوبی تبریزی را تحویل در تهران انبار شرکت سهامی تلفن
ایران واقع در خیابان خانی آباد (سرپل راه آهن) از طریق
مناقصه خریداری می نماید.
داوطلبان شرکت در مناقصه باید با اداره کل تدارکات
شرکت سهامی تلفن ایران واقع در خیابان شاه کوجه لاله
مراجعه و اوراق شرایط معامله و نمونه قرارداد و مشخصات
را دریافت و امضاء نموده همراه پیشنهادهای خود تا آخر
وقت اداری روز یکشنبه اول اسفندماه ۱۳۴۴ با اداره دفتر
کل شرکت سهامی تلفن ایران به نشانی بالا تسلیم و رسید
دریافت نمایند.
پیشنهاد های واصله در ساعت ده صبح روز دوشنبه
دوم اسفندماه ۱۳۴۴ بازر و قرائت خواهد شد
حضور پیشنهاد دهندگان ویا نماینده مجاز آنها در
کمیسیون مناقصه آزاد است.

شرکت سهامی تلفن ایران
۲-۱
۲۳۰-آ

۷۸۷۱ م الف
آگهی دعوت بستانگاران با
اخطارات لازمه

بسموم بستانکاران آقای علی ماهان بازرگان ورشکسته
مقیم بازداشتگاه موقت شهر بانی کل که حکم توقف او در تاریخ
۴۴۴۸۱۰ صادر شده و توقفا و از تاریخ ۴۴۴۸۱۰ اعلام
گردید آگهی میدهند اولین جلسه بستانکاران در ساعت ۹ صبح
روز چهارشنبه ۱۳۴۴۱۲۲۴ در اداره تصفیه تهران تشکیل
میشود کلیه بستانکاران و کسانیکه ادعائی دارند و همچنین
کسانیکه با ورشکسته مزبور مسئولیت تضامنی دارند یا ضامن
اوستند میتوانند در ساعت و روز مذکور در اداره تصفیه
حضور بهم رسانند.
ضمناً اخطار میشود.
یکم کلیه بستانکاران و کسانیکه هر گونه ادعائی
دارند باید اصل یا رونوشت مدارک خود را در ظرف دو ماه از
تاریخ نشر این آگهی با اداره تصفیه تسلیم نمایند. مدت ارسال
مدارک برای بستانکارانیکه در کشورهای بیگانه اقامت دارند
سه ماه میباشد.
دوم - کسانیکه ورشکسته نامبرده بدهی دارند باید
ظرف مدت نامبرده خود را معرفی و بدهی خود را در وجه
صندوق اداره تصفیه بپردازند. طبق ماده ۲۴ قانون تصفیه
بدهکاران متخلف از این وظیفه بجزیمه نقدی معادل صدی -
بیست و پنج علاوه بر جریمه نقدی بدهکاران مذکور را بزندان
تأدیبی از سه تا شش ماه نیز محکوم نمایند.
سوم - کسانیکه بپهر عنوان اموال ورشکسته نامبرده
در دست آنها است در ظرف مدت دو ماه مذکور باید همان اموال
را تحت اختیار اداره تصفیه بگذارند و اگر نه هر حقی که نسبت
بان دارند سلب خواهد شد مگر اینکه عذر موجهی داشته باشند.

رئیس اداره تصفیه امور
ورشکستگی تهران

۲۳۳-آ

۷۸۸۳ م الف
آگهی
آقای ناصر شیلانی بوکالت
از شرکت سهامی بیمه شرق
دادخواستی بخواسته مبلغ هزار
ریال وجه سفته بر سر رسید پنجم
شهریور ماه ۴۴ بطرفیت آقایان
روبرت اکهارت و ژرژ ملک
سر کیسیان شغل تجارت بباد -
گاههای بخش تهران تقدیم داشته
که بشعبه اول ارجاع و بشماره
۲۷۰۴/۴۴ ثبت گردیده است
چون خوانندگان در نشانی معینه
شناخته نگردیده اند مراتب سه
نوبت متوالی در روزنامه رسمی
کشور شاهنشاهی ایران و یکی از
جراید کثیرالانتشار آگهی
میشود تا خوانندگان مذکور ظرف
سه ماه از تاریخ نشر آخرین آگهی
جهت دریافت نسخ دادخواست
و مدارک باین دفتر مراجعه و در
روز ۲۷/۲/۴۵ ساعت ۸ صبح
جهت رسیدگی در شعبه اول دادگاه
بخش تهران حاضر گردند در
صورت احتیاج با ابلاغ بعدی یک
نوبت آگهی در روزنامه منتشر و

۷۸۲۶ م الف
آگهی تغییر نشانی شرکت
خارجی ریپفلید ایرانیان
افشور پترولیوم کمپانی ثبت
شده بشماره ۳۷۷
برابر نامه مورخ ۱۱ بهمن
۱۳۴۴ شرکت فوق نشانی شرکت
از محل سابق به تهران - خیابان
کاخ شمالی - نبش کوچه احمدی
شماره ۲ انتقال یافته است. مراتب
طبق ماده ۲۰۰ قانون تجارت
ثبت دفتر گردید و برای اطلاع
عموم آگهی میشود.
از طرف رئیس اداره ثبت
شرکتها و مالکیت صنعتی -
مهدی نراقی
۲۲۸-آ

پس چرا بماند نماند
حکومت عراق با استفاده از هواپیماهای میک روسی (کمونستی!)
و تانکهای انگلیسی و مدرترین اسلحه آمریکائی از آسمان وزمین
به کردان حمله می کردند، علاوه بر ارتش عراق قوای نظامی سوریه
نیز با تائیدات اربابان نشان برای از بین بردن کردان دلاور و تصرف
کردستان عزیز بزرگترین قلمه تسخیر ناپذیر ایران زمین بکمک
ارتش عراق آمده بودند و دهات و قصبات، شهرها، زن و بچه های
بدون دفاع کردستان را به باروت آتش بسته بودند، با بمبها و گلوله
های سنگین آتش را که بر سر کردان فرو می ریختند، با رگبار
مسائل و آفتوهای سمینوف به طبیعی ترین تقاضای مشروع و انسانی
جواب میدادند!!
مردم ستمدیده و فقیر و زخمی کردستان عراق در نتیجه چندین
سال جنگ خانمان برآنان از نظر اقتصادی و نان و خوراک سخت در
مضیق بودند. در یکی از شبهای بسیار سرد و سخت در یکی از دهات
اطراف موصل رمه ای از آهوان وحشی از سر ما و گرسنگی بدهکده ای
پناه آورده و بگوسفندان مردم ده پیوستند.
مردان و زنان و جوانان مسلح و جنگاور در سنگرهای
جبهه های جنگ در نبرد بودند، در آن دهکده که فقط مالک زخمی
و کدخدای پیر که سخت مریض بود، پهلوی هم در یک اتاق سیاه روستائی
بدون طبیب و درمان بستری بودند، چند نفر زن و دختر و بچه های خرد
سال جمعیت موجود در دهکده را تشکیل میدادند.

بچه ها پیش مالک و کدخدای مریض آمده و خبر آوردند که رمه ای از
آهوان وحشی به گوسفندان اهالی پیوسته و داخل آغل آبادی شده اند،
کسب اجازه و مشورت میکردند که چطور همه آهوان را غافل گیر
کرده و بگیرند، مالک و کدخدا که هر دو از مردان سالخورده و معتقد به
سنن خانوادگی و نیاکان خود بودند و به آداب و رسوم درخشان ایرانی
احترام عمیق قائل و سخت پایند بودند با آنها تذکر دادند. که این
آهوان پناه آورده اند و مهمان گوسفندان ما هستند، فوراً بروید
و اهالی را خبر کنید، مبادا کسی مزاحم پناهندگان ما و مهمانان
گوسفندان ما شود. بلکه از امروز باید از علوفه که داریم به نسبت
تعداد این آهوان به آغل گوسفندان بیشتر علوفه بریزند که خداوند
روزی آنها را بوسیله ما تأمین کرده است و شاید تا چند شبانه روز رمه
آهوان کوهی، مهمان گوسفندان و پناهنده ما باشند.
یک دختر چهارده ساله که گلوله ای بپای چپش خورده بود و کمی
می لنگید، نوبه ای علوفه در دست داشت و بگفتار کدای پیر مریض
گوش کرده بود، در حالی که بعضی گلویش را گرفته و میفشرد، از
کدخدا سؤال کرد.
عمو کدخدای گرامی پس چرا برپا هیچوقت بماند نماند؟
کدخدا از شنیدن حرف دختر جوان سخت متأثر شد، چند قطره
اشک در گوشه های چشمش حلقه میزد، بعضی گلویش را میفشرد
نمی توانست صحبت بکند باز حمت زیاد نفسی کشید در حالیکه بیای
تیر خورده دختره نکاهی انداخت و خیره خیره به نوه اش چشم دوخته
بود گفت:
فرزند جان من ... آخر ... ما ... کردیم.
این آخرین حرف کدخدا «کویخاسوره» بود و چند لحظه بعد
جان بجان آفرین تسلیم کرد.

امیر درویش عام

۷۸۶۳ م الف
آگهی ابلاغ دادنامه
بدینوسیله به متهمین مجهول -
ال مکان زیر که قبلاً وسیله آگهی
احضار و در موعد مقرر در جلسه
رسیدگی حاضر نگردیده اند
ابلاغ و اعلام میشود که شعبه ۲۸
دادگاه جنحه تهران درباره هر
یک از متهمان دادنامه غیابی بشرح
زیر صادر نموده چنانچه اعتراضی
دارند ظرف مدت ده روز از تاریخ
نشر آگهی بدقتن دادگاه مزبور
تقدیم والا اقدام مقتضی بعمل
خواهد آمد.
۱- پرونده ۳۶۳/۴۳
قربان شهبازی فرزند خداجیم
اتهام اخفاء مال مسروق چهارماه
حبس تأدیبی
۲- پرونده ۵۰۴/۴۰ علی
مسمودی اتهام سرقت چهارماه
حبس تأدیبی
۳- پرونده ۷۰۵/۴۲ سید
عباس موسوی فرزند سید ابراهیم
اتهام تخریب شش ماه حبس تأدیبی
و ۲۵۰۰ ریال غرامت و برای
ایراد ضرب بدو ماه حبس تأدیبی
۴- پرونده ۹۵۵/۴۳
اصغر دروین فرزند اصطلان
اتهام اخفاء مال مسروق دو ماه
حبس تأدیبی روزی سی ریال
۵- پرونده ۶۹۷/۴۳
علی زارع دیبا فرزند ابراهیم
اتهام یک فقره شروع سرقت
و سیزده فقره سرقت چهارده
مرتب پنج ضربه شلاق
۶- پرونده ۹۰۶/۴۲
محمد حسن زاده فرزند عباسعلی
و حسن حقیقی فرزند یعقوب اتهام
منازعه هر کدام سه ماه حبس
تأدیبی

دروید بر پیش مرگان کرد
مخلوق استعمار عراق به ایرانیان و شیعیان آن سامان و همچنین از
کشتار کردان کرد ایرانی نژاد وسیله حکومت خود کلمه عراق
برداشتید و باصدای رسای خود اعلام داشتید که ملت ایران خواهان
کلیه حقوق از دست رفته خود می باشد. ما بی صبرانه در انتظار
فرمانی هستیم تا در راه ایران عزیز و نجات هم نژادان کرد خویش
و استرداد حقوق ملت ایران در اروند رود جاننازی کنیم. مرگ
بر متجاوزین مزدور استعمار، در اهتزاز باد پرچم سه رنگ
ایران.
رحیم میرد - سید محمد رضا کوهکش - قاسم سرخی -
پرویز شیباب - فیروز آقائی - کاظم جوانمردی - غلامعلی
کجبافی - رحیم شیشه گر - غلامرضا دهستانی.

از مسجد سلیمان
آقای بهرام سلیمانی از مسجد سلیمان می نویسد: درود من
بگردانندگان روزنامه خاک و خون و سلام گرم من از فرسنگها دور
بر پیش مرگان کرد و دلیر و جنگجوی ایرانی نژاد که برای نیل
به هدف ناپای جان می جنگند و زمین خود مردانه دفاع می کنند.
آماده ام جان خود را در راه ایران فدا کنم.

از قزوین
آقای سپیدمان از قزوین می نویسد: درود به هیئت
تحریریه گرامی نامه «خاک و خون» بزرگ سنگر ناسیونالیست های
ایران زمین. از خدای یکتا خواستارم که این سنگر مستحکم هر روز
قویتر و پیرتحرک تر گردد و بتواند رسالت شریف خویش را آنطور که
شایسته است با انجام رساند.

از تهران
دانش آموزان دبیرستان امیر کبیر در دو زمین نامه خود چندین می نویسد:
با تقدیم درود های گرم خود در راه پیروزی و موفقیت شما آزادگان
ایران پرست، و تفر و انزجار شدید خود را از بلاه گویهای دژخیمان
عراقی ابراز میداریم. ما دانش آموزان دبیرستان امیر کبیر
بدین وسیله شدیدترین تنفر خود را از رویه دولت پوشالی عراق
ابراز داشته و آمادگی خود را برای مبارزه در راه ننگیانی از
مرزهای ایران عزیز اعلام میداریم و حاضریم دوش بدوش پیش
مرگان کرد در جبهه های جنگ نبرد نمایم.
بنمایندگی از طرف دانش آموزان دبیرستان امیر کبیر. دانش آموزان
سال ششم: ایرج آذرگون - علی رضا آذری - قلی دشتکلی - جهان بخش
طاهری - علی آذری - شیر محمد براتی - سید محمد موسوی فرد
اسفندیارسنگل زاده.

از کرمانشاه
آقای ناصر تیرانداز از طرف دانش آموزان دبیرستان
شاهپور طی نامه بسیار مفصلی می نویسد: ما با کمال میل حاضریم
دعوت جنگ بیگانگان را بپذیریم و با آنها بفهمانیم ایرانی دهر
دوره ای از ادوار تاریخ رشید و جنگاور و ایران پرست بوده و
حال نیز همه یکدل و یک زبان آماده جاننازی و دلاوری هستند و
آمادگی بسیار دارند کشوری را که همیشه تحت تسلط دیگران بوده
و وجودش زائیده استعمار است بر جای خود بنشانند

از خرمشهر
آقای تقی بی - از خرمشهر. می نویسد: موفقیت مدبر و سر
دبیر و دگر فرزندان برومند و شجاع ایران زمین را که در راه سر
بلندی و عظمت ایران عزیز و ملت بزرگ خود گامهای بس محکم و
بیهمتا بر داشته اند آرزو مندیم، از روزیکه روزنامه گرامی
خاک و خون منتشر می گردد و کمک بیدریغ خود دولت ایران را از
مبارزه بی گیر کردان کرد ایرانی نژاد اعلام داشته است
پیوسته خبرهای امید بخشی که حاکی از پیروزی های چشم گیر
می باشد ملت ایران را چنان سرمست و خوشحال
نموده که با تمام وجودشان برای هر گونه کمک و پشتیبانی آمادگی
خود را اعلام میدارند و هر روز مردم با گوهر ایران برای همدردی
با برادران کرد و مبارز و دلیر خود تومارهایی بدقتن خاک و خون
تقدیم میدارند و بی صبرانه منتظرند تا فرمانی صادر شود تا در دوش آنها
برای بزرگی ایران بجنگند. درود و افتخار بر توای روزنامه
وزین خاک و خون و شکندمه هر سکوت و طلسم (عشار شمال عراق)
که با تهور و ابتکار مدبرانه خود مقام بزرگی در دل تمام ملت
ایران مخصوصاً برادران کرد در دل دارند. بگذارید بدشمنان با چشمان
از حقده در آمده شاهد این پیروزی عظیم ملی باشند.

از تهران
آقای داود جبرائیل پور می نویسد: سر دبیر محترم، با
کمال احترام می خواهم بگویم که این فریاد است که از هر زده وجودم
بر میخیزد، این طنین هیجان نیست که از جوانان ایران پرست اوج
میکبرد و بگوش شما مدافعان حقوق ملت ایران و شاخه های نژادی
آن میرسد.
ما از کردان قهرمان و آشوریان شجاع که دوش بدوش هم
برای راهی از یوغ بردگی می جنگند تجلیل میکنیم و مبارزان نشان
را می ستاییم. ملت ایران هر پائی را که به نوار مرزی ایران
پرسد خورد خواهد کرد و هر صدائی را که علیه ایران بلند شود
خفه می کند.

نمایندگان خاک و خون در شهر ستانها
اصفهان - روبروی هتل شاه عباس - آقایان ایمانی - میر شمس
میمه - آقای عبدالحسین جعفری شاهدانی
بروجرد - کتابفروشی دانش - آقای صادقزاده
همدان - نماینده بین المللی مطبوعات - آقای عزیز اله بیداری
میاندوآب - خیابان پهلوی - آقای دباغیان
سقز - آقای شهوری
اراک - مطبوعاتی ولیخان
بندر معشور - بنگاه مطبوعاتی و کتابفروشی ۲۵ شهریور
سنندج - نمایندگی جراید آقای ارجمندی
هفت تپه - آقای نجف موسوی
مهاباد - آقای قادر معروف زاده
مرزخانه - نمایندگی جراید - آقای محمد رضا افشار
نقده - آذربایجان خیابان ۲۵ شهریور - آقای عبداله شافعی
شاهپور - آذربایجان - آقای محمد رضا ارکان قزوینی
رضائیه - نماینده مطبوعات - آقای زینا لپور

صد گونه تماشاشا

گذاری کرده اند که حرفی نیست و جای اعتراض و تذکر و گلگله ای باقی نمیگذارد ولی اگر صدور امتیاز برای دبستان و دبیرستانی است که بخاطر بنای آن آقای هراتی مخفتر پذیرفت نشان گردیده و آنهمه تجلیل و تقدیر از وی بعمل آمد و مزایایی برایش قابل شدند که باید بگوئیم همین آقای هراتی با خط و امضای خویش در شهریور سال ۱۳۳۷ طی نامه ای که بوزیر فرهنگ وقت نوشته است بنای آنرا رسماً به فرهنگ واگذار نموده و تمهید نموده که در دفتر اسناد رسمی حضور یافته اسناد لکیت آنرا تنظیم نمایند و بنا بر این شرعاً و عرفاً صحیح نیست که موسسات متعلق بدولت را بصورت ملی در آورند و بطریق «تجارت» و دریافت شهرییه از دانش آموزان منبع درآمدی برای «شیاطین اعظم» ایجاد نمایند. مردمی را که قصد کار خیری نموده است از اجر دنیوی و اخروی آن محروم سازند.

فقط زمین؟!!

صحنه دوم - در تماشای شماره گذشته به نقل از اظهارات یکی از نمایندگان خراسان در مجلس شورا باین موضوع اشاره شد که **تظاهر با انجام امور مورد توجه و تقاضای مردم بدون انجام واقعی آن امور**، آن چنان شیوع یافته و گسترش پیدا کرده است که حتی **کوششهای فرهنگی و فعالیت های آکادمیک** را که معمولاً اموری است که باید واقعاً انجام پذیرد و سروسامان یابد نیز زیر سلطه و نفوذ خود گرفتار شده است. هر روز برای دلخوشی مردم استانها دانشکده های بیا میشود و بنیان دانشگاهی؟! گذارده میشود، در حالیکه دانشکده و دانشگاه تنها نمیتواند زمین ساختن باشد، دانشکاه برنامه های منظم، کادر آموزشی شایسته و بخصوص مدیریت توأم با واقع بینی و درک آرمانخواهی را لازم دارد که متأسفانه بسیاری از مراکز که به عنوان دانشگاه و دانشکده تأسیس گردیده است فاقد این خصوصیات است. بهر حال در تماشای شماره گذشته اشاره شد که **دانشکده کشاورزی مشهد** را مدتی است تعطیل کرده اند اما درصددند دانشکده دیگری را در استان دیگری بگشایند که خبرمند در شماره ۱۱۹۰۰ روزنامه اطلاعات خود نشانه های دیگری از این قبیل اقدامات متناقض غیر قابل توجه میباشد. تماشای این نکته را باید تذکر کرد که بنیان گذاری دانشکده ها و دانشگاهها در استان های گوناگون نه تنها مفید بلکه ضروری است، اما باید دانشکده و دانشگاهی با خصوصیات لازم، نه تنها ساختمان و وسایط **فقط زمین!** - دانشکده را تنها باین دلیل که کسی یا کسانی بقرض ۵ میلیون متر زمین داده اند نمیتوان احداث نمود، دانشکده هنگامی باید ایجاد گردد که از همه جهات ضرورت آن احساس گردد و دولت همه وسائل و موجدیات کار را برای ایجاد دانشکده فراهم سازد و اگر در این مملکت میلیونها متر زمین در هر گوشه ای هست، **بنا بر این بر روی همه زمین های خدادانشکده بنا کنید**، چون دانشکده بدون وسائل لازم و استاد و برنامه صحیح آموزشی که خرجی چندین و گریز آری آنچنان نیز ندارد! - اکنون شمارا به تماشای خبر تأسیس دانشکده های جدید میبرم.

دانشکده های جدیدی در کشور ایجاد میشود! دانشکده کشاورزی در کرمان تأسیس میگردد!!

«امروز خبرنگار ما کسب اطلاع نمود که در سال آینده دانشکده های جدیدی در نقاط مختلف کشور تأسیس خواهد شد، تا برای پذیرش داوطلبان تحصیل در دانشگاهها ظرفیت بیشتری موجود باشد. بدنبال این خبر امروز خبرنگار ما کسب اطلاع کرد که عده ای از متمدین کرمان زمین به مساحت ۵ میلیون متر که قابل کشت نیز می باشد در اختیار وزارت آموزش و پرورش گذاشته اند که قرار است در آن محل دانشکده کشاورزی ایجاد گردد. این مطلب را وزیر آموزش و پرورش بعد از بازگشت از سفر کرمان به خبرنگار ما اظهار داشت.»

اگر این رودرواسی لغتی بگذارد!

آن بیمارستانی که **بیماری را چون سنک در دهان قلماسنک** از این سوی بدان سوی پرتاب کردند و آن دیگری که ... بگذردیم از این نمونه های بسیار، یکی از مشکلات و رنج های بسیار مردم همین است، چنین کسانی که گروهی معدود از جمع پزشکان شریف و وظیفه شناس هستند از این نکته بیخیالی تماشای دیگری نویسنده گان «خاکوخون» دیل بر خون و زبانی معترض و دشنام گوی دارند، لکن اینبار تماشای شما را به تماشای گوشه ای از مقاله دلنشین و توأم با واقع بینی پزشک شریف و نوع دوست میبرد که خود از این نابسامانیها برنج آمده است و از اصلاح نظام پزشکی از معدودی عناصر سوچو و نا متناسب برای این شغل شریف میباشد - **او دکتر علی اصغر سعادت** است - در اطلاعات شماره ۱۱۹۰۰ در ستون ویژه «انتقاد» آن روزنامه مقاله ای مبسوط و مستدل نوشته بود، ای کاش صفحات روزنامه اجازه میداد تا تمامی آن مقاله را منعکس نمایم، شما خود میتوانید بدان مراجعه کنید و آن را با دقت مطالعه نمایید - بهر حال قسمتی از آنرا نقل مینمایم و آن بدینگونه است:

«پزشک دیگری را می شناسم که هر کس وارد دکانش میشود علاوه بر حق ویزیت معتنا به او رامجبور میکند تا به پشت صفحه رادیوسکوبی برود و بعد باو تلقین میکند که حتماً یک الکتروکارد دیوگرافی هم لازم دارد.

حال کدام بیمار است که تحت تأثیر اینگونه تلقینات زود و یا لاقل تحت تأثیر حبیب و حیای خود واقع نگردد و با بیخ خالی روانه خانه نشود؟!

طبيب دیگری ادعا میکند ده روز معتاد به هر وین را ترک میدهد. شب اول میبلخ گزافی از بیمار میگردد و روز بعد مقداری اسکوپولامین که برای دیوانه کردن ده نفر کافی است باو تزریق میکند و روز سوم به معتاد نفرین شده و اطراف نشانی میگوید کار تمام شد در حالیکه بیمار چنان منگ و گیج و از خود بیخود است که هیچ چیز تشخیص نمیدهد. بعضی آنکه توانست هوش و حواس خود را باز یابد با حال خراب و لنگان لنگان خود راه قاچاق فروش می رساند!

حتی وزارت بهداشتی هم از این بزرگوار نمی پرسد؛ جناب بوعلی سینا شما چگونه در روز معتاد به هر وین را نجات میدهید؟! و اگر این کار با این آسانی و درین مدت کوتاه شدنی بود چطور علمای پور و سوزو های معروف جهان انگشت بدان در مقابل این درد بی درمان حیران مانده اند!!

آری! کار بی بند و باری و بی توجهی به مبانی اخلاقی از تاجیه بعضی همکاران ما تا آنجا پیشرفته که حالا دیگر مردم ما در امور و رویه های باطنی و بقیه من در جامعه پزشکان کسانی که نمی خواهند مرده خوار نامیده شوند باید جدا به مبارزه برخیزند و راه حل عاجلی بیابند.

من بدرستی نمیدانم درمان این مشکل تا سف انگیز اجتماعی از چه راه میسر است، زیرا یقیناً دولت و وزارت بهداشتی نمیتوانند این مشکلات را حل کنند و اگر هم بتوانند اقدامات آنها از حد تعیین ویزیت برای پزشکان تجاوز نمیکند و فقط شاید تشکیل یک جامعه پزشکی با منتخبین خوشنام و شریف آنها با اختیارات کافی و یک نظام پزشکی صحیح و کامل بتوانند این مشکل را حل کنند و همطور که در کشورهای پیشرفته معمول است پزشکان صحنه ساز و بدنام را از جامعه پزشکی براندوزد بیمارستان های کاروانسرا مانند را ببندد!

البته بشرط آنکه باز این رودرواسی لغتی بگذارد!!!

مولانا از متفکران بنام و عرفای هوشمند و نازک طبع مصلح ماست - بسال ۶۰۲ هجری در شهر بلخ دیده برجهان کشود - در چهارده سالگی در نیشابور بزیارت قطب شریع عالم عرفان، «فریدالدین عطار» نازل آمد، گویند «عطار» آتش نهفته در نهاد جلال الدین را دریافت و او را دعای

مولانا جلال الدین بلخی و عشق ...

بسیار نمود و او از همان زمان، در سلک عرفا و کوشندگان راه فلسفه عمیق ایران درآمد مولانا تا سال ۶۷۲ هجری بزیست و در طی هفتاد سال عمر خود گنجینه ای جاویدان بر میراث عظیم فرهنگی و فلسفی ملت ایران بیافزود، او گذشته ازمثونی که مباحث فلسفی خود را در آن قالب سروده است در غزل نیز توانائی خاص داشته و شور و انگیز ترین احساسهای انسانی را در قالب غزلیانی دلکش و جاودانی فروریخته است - مولانا «عشق» را آن جذبه و کششی میدانده که وجود انسانی را در بر میگردد، **او عشق را آن اشتیاق به زندگی** و «شورش حیات» می شناسد که از فرط شکوه مندی و عظمت آن را «جلوه ای از خدا» میداند، اکنون ایاتی چند، از این غزل عاشقانه و عارفانه مولانا جلال الدین بلخی:

علت عاشق زعلتها جسد است
عاشق گریزین سر و گرزان سر است
هر چه بگویم عشق را شرح و بیان
چون قلم اندر نوشتن می شتافت
چون سخن در وصف این حالت رسید
آفتاب آمد دلیل آفتاب

عشق اسطرلاب اسرار خداست
عاقبت ما را بداند رهبر است
چون بعشق آیم خجل باشم از آن
چون بعشق آمد قلم خود بر شکافت
هم قلم بشکست و هم کاغذ درید
گرد لیلت باید، از وی، رخ متاب

مشکل طبابت

برای ادامه تحصیل آنها پدید آورده اند، بزم ادامه تحصیل بخارج میروند، این گروه اخیر را بیشتر فارغ التحصیلان دانشگاه بوجود می آورند.

در ضمن خروج و پس از خروج از ایران نیز دستگاههای مسئول در مورد انتخاب رشته های تحصیلی دانشجویان را راهنمایی نمیکند و لذا آنان پیش از آنکه نیازمندیهای کشور خود را در نظر داشته باشند بر حسب احتیاجات کشورهای غربی تربیت می شوند و از این رهگذر در هنگام یافتن شغل بمحظورات فراوان برخورد می کنند. ۲- عموم دستگاههای کشور در مورد استفاده از فارغ التحصیلان برنامه مشخصی ندارند و لذا تحصیل کرده های دانشگاهی اعم از داخلی و خارجی در موقع کار یابی دچار سرگرائی و ناظر تبعیضات فراوان می شوند و ناگزیر عده ای از آنان بخارج بر میگردند و از آمدن دیگران نیز جلوگیری می کنند.

یکی از مشکلات کار یابی آنستکه فارغ التحصیلان دانشگاهی و بخصوص آنانکه درجات تخصصی دارند مایلند در تهران و یا چند شهر درجه اول بکار گمارده شوند چون واضح است که شهر تهران نیز گنجایش همگی آنها را ندارد از این رو دلسرد میشوند. باید دید که مشکلات کار کردن در شهرستانها چیست و چرا این تمایل بوجود آمده است که همه می خواهند در تهران بمانند.

یکی از مشکلات کار در شهرستانها را قبلاً بررسی کرده ایم و آن عبارتست از نبودن سازمان مجری که با فراد متخصص امکان کار بدهد. خصوصیت تعلیمات تخصصی در عرصه ما آنستکه افراد را برای کار در مراکز مجز که مستلزم همکاری گروهی از متخصصین است تربیت میکند و تقریباً امروز هیچ رشته ای از تخصص نیست که کار گروهی یا باصطلاح (تیم ورک) را ایجاد نکند. کار گروهی نیز مستلزم سازمانهای مجز است. اینگونه سازمانها در ایران نسبتاً جوان هستند و به همین دلیل هنوز خوبی سازمان نیافته اند و از طرفی چون در هنگام سازمان دادن این موسسات نیازمندیهای عملی منظور نشده است لذا این سازمانها بیشتر در تهران تمرکز یافته اند.

از طرفی بعلت نقص مدیریت و سازمان گزاری دستگاههای اداری فقط مایلند جوانان را بشهرستانها بفرستند بدون اینکه مایل باشند سازمانها را بشهرستانها گسیل دارند. بهترین نمونه در این مورد، کارپزشکانی است که بخدمت در شهرستانها محکوم میشوند. هر متخصص و فارغ التحصیلی که برای یافتن کار مراجعه میکند فوراً باو پیشنهاد می کنند که بیکری از شهرستانها برود. ولی سازمانیکه در آن شهر وجود دارد مربوط به بیست سال پیش است که قبلاً بوسیله یک طبیب مجاز و یابک بهدار اداره میشده است. از وسائل کار در آن خبری نیست و بلاوجه مجز بیک کادر اداری است که در فن استفاده غیر مجاز از اموال عمومی استاد هستند.

در ازاء کادر در چنین سازمانی حقوقی هم باو پیشنهاد میکنند که بزمخارج اولیه را تا مینمیکند. البته منطقی قانونگذار در مورد تعیین این حقوق ناچیز آنستکه طبیب مطب خواهد داشت و احتیاجی بحقوق اداری ندارد.

اما درباره کار خصوصی یک طبیب در شهرستانهای درجه دوم باین نیز باید بحقایق توجه داشت، در چنین شهری طبیب متخصص باید تمام معلومات خود را در مورد وسائل جدید تشخیص بدست فراموشی بگذارد. از بر تو نکاری و آزمایشگاه خبری نیست همچنین از بیمارستان مجز پرستاری - طبیب پس از وداع با اسلحه باید خود را بکار شیبه جن گیری ورمالی در این شهر غریب عادت دهد تنها وسیله کار او یک قلم و مقداری کاغذ خواهد بود با اضافه یک گوشی که پس از رواج کار فرصت استفاده از آن را هم پیدا نمیکند.

تنها همکار لباس سفید در چنین شهری یکی از عطاران سابق است که بعد از چند کلمه لاتین یاد گرفته و سمت دارو فروش را پیدا کرده است. در حقیقت گرداننده اصلی نقش بهداشت و بهداشتی در شهرهای کوچک همین عطاران هستند و طبیب باید ناگزیر پس از استعمال و دلجوئی کافی از آنان سمت دلال کالای داروئی آنان را بدست آورد و مردم را برای خرید راهنمایی کند.

با همه این احوال سرنوشت طبیب، در چنین شهری از دو حال خارج نیست یا بسبب رقابت های محلی با یک پرونده قطور جزائی روانه اش میسازند و با باصطلاح کارش بالا میگردد و از شکل و هیئت آدمیزاد خارج میشود زیرا دیگر نه روز دارد و نه شب.

کار کردن در وقت معین و بزمیزان معین در شهرستانهای کوچک مفهومی ندارد، از سیه دم تا آخرین ساعات شب که بسیه دم میانجامد چنین طبیعی باید آماده کار باشد. در اوقات شلوغ روز آنقدر در اطراف کار ازدحام و رفت و آمد هست که برآستی فرصت احوال پرایی با بیماران را نیز پیدا نمیکند چه رسد به آنکه آنها را معاینه کند.

آنچه چنین شخصی انجام میدهد دیگر با هیچ مقیاسی طبابت نیست بلکه نوعی است از ایجاد، فریب و چون اینها واقعیات امر طبابت در شهرستانهای کوچک و قسمتهائی از شهرهای بزرگ است. ضعیب در این میان هرگز مقصود نیست. چنین صحنه هائی تنها بدلیل نبودن سازمان مجز پیش می آید.

بسیار مشکل است که از کسانی که در مراکز مجز علمی خارجی یا داخلی تربیت شده اند انتظار داشت که بچنین محیطهائی بروند و حرفه اصلی و تخصص خود را بیکره کنار بگذارند و بصره فظ و خوارق العاده ای که بنام طبابت مشهور شده است اشتغال ورزند. اینها است قسمتی از مشکلاتیکه برای کادر شهرستانها وجود دارد و باز هم مشکلات دیگری هست که در فرصتهای آینده بدان خواهیم پرداخت.

حقیقت اندیشه انتر ناسیونالیسم

قدرت های دیرین کشور های استعماری اروپا گردید و در نتیجه « دو استعمار صنعتی و اقتصادی» جایگزین « استعمار نظامی» شدند، همچنین بنام آوردند « استعمار صنعتی و اقتصادی»، از نظر خود جهان را بصورت یک بازار واحد جهانی که گرداگرد محور « استعمار صنعتی و اقتصادی»، قرار دادند و بناداردند که سرزمینهای انباشته از منابع اولیه و مواد خام و مناطق پر از نیروهای انسانی و در نتیجه

یک سنک بر ای استقرار

از حالایهه شمایمیکوم استان از ما آمار میخواید همه شما باید در دهاتیکه تعیین میشود پراکنده شویند و آمار مفصل تهیه کنید و مرتب بفرستید خواه مردم و اکسن بزند خواه بزنند و هر کس آمارش کم باشد فوق العاده خبری نیست. ضمناً این راه گفتند که برای شما در حدود ۳۰ روز تقاضای مأموریت خواهد شد و چون عملاً ده روز بیشتر کاری ندارید بعد از پرداخت فوق العاده لیست ۲۰ روز را امضاء کنید ولی بشما بیشتر از ده روز پرداخت نخواهد شد. بنیاد چون انتر مرکز **از ما انتظار دار ند با بدسیم آنها را بدسیم**. ولی آمار طبق دلخواه آقای رئیس غروب تا غروب فرستاده میشد اما چقدر؟ شاید بدون اغراق چهارالی پنج برابر سنکه موجود در دهه مربوطه و آقای رئیس هم خیلی از کار رفقاً اظهار رضایت فرمودند ... بطوریکه در جریان هستم و اهل این منطقه میباشم کل جمعیت شهرستان تفرس با خود همایش در حدود ۶۰ الی ۷۰ هزار نفر است ولی آماریکه جمع آوری شد دو بر کم از مخا بره کردند طبق مدارک موجود در بهداری شهرستان و مراکز استان یکصد و هشتاد هزار بوده است ... فوق العاده ما راه که لیست ۲۹ روزه را امضاء کردیم خود ا شاهد است فقط در روز دادند ...

حال شما فکر کنید دستگاهی که در این امر خطیر و حیاتی که با جان مردم این مملکت بستگی دارد ... آشکارا از ما دروغ بخواهد اگر تدبیر باعث در سرمان میشوند، اگر فعالیت جدی کنیم که وقت بیشتری هم میگیرد حق مسلم ما را میخورند، حال به بینید استان مرکز که این باشد و ای باستانهای دور افتاده ... بیک دومی تبه هم با هم با زرسی یک نفر آمد که فقط نصف روز هممان آقای رئیس شد و خوشحال برگشت ... ضمناً اگر افراد صالح باشند که بخواهند با زرسی نموده پرد از این خیانتها بر دارند با کامل میل حاضر مدارک و شواهد زنده ارائه نموده راهنمایی لازم برابکنم ...

همچنین تعداد سنکه دهات مشخص، آمار اغراقی که بنام این دهات هم فرستاده شده معلوم و در پرونده هست ... چنانچه مایل به روشن شدن جریان بودید ضمن درج مطالب در آخر اشاره فرمائید فوری خود را بشما معرفی و راهنمایی خواهم نمود (در همین جا بنویسند نامه اعلام می داریم که مایل به روشن شدن جریان هستیم) این بود عین عباراتی چند از نامه و اما بحث ما،

هن امیدوارم که این مطالب حقیقت نداشته باشد بویژه آنکه دستگاههای بهداشتی ما را گروهی جوانان تحصیل کرده و علاقمند اداره می کنند گرچه خودشان هم می دانند که از یک گل بهار نمیشود. فعلاً فرض را بر این قرار می دهیم که مطالب بالا افسانه ای بیش نیست ولی این را می دانیم که بعضی از افسانه ها نفوذشان در اذهان مردم از حقایق بیشتر است و از آنجمله افسانه های اداری ماست که ارگان آنرا ظاهر سازی و گزارش خلاف واقع و حق کشی و حیف و میل اموال عمومی و ارتکاب جرم بیبانه اینک از ما انتظار دارند و با زرسی بشکل مهمانی و غیره تشکیل می دهند و اتفاقاً در افسانه امروز ما هم از همه این خصوصیات استفاده شده بود و به همین دلیل هم قطعاً افسانه بسیار نافذی خواهد بود و همه ندیده و نتناخته آنرا باور خواهند کرد.

اما بر این داستان باید جمله دومی هم افزود و آن از هنگامی شروع میشود که یک نفر مرض و یا زود بپور قلم برمی دارد و شرح قصایار را بر مارجی موش یا غیر موش بنویسد. پس از نوشتن یکمتر تبه کی بود کی بود و بگویی بنیاد شروع میشود. دستگاهها که معمولاً جریان آرام دارند ناگهان فعال میشوند که نویسنده ناشناس را پیدا کنند و پوست از کله اش بگیرند و پس از آنکه دستگاهها توانستند فرد یا افراد بقول خودشان ناراحت و یا مغرض و تحریک شده را کشف کنند و ادب نمایند باریگر اوضاع آرام و چراغ خاموش میشود و آسیاب میگردد و افسانه ها پرداخته میشود و اثری قطعی و زوال ناپذیر بر اذهان باقی میگذارد.

همانگونه که خاک و خون از آغاز ضمن تشریح خط مشی خود اعلام کرده است، قیام بخاطر درگ گون ساختن اینگونه افسانه های اجتماعی است و بمعنی ما افسانه بالا را از جلد دوم آن باید اصلاح کرد. اگر بگوئید در این کشور فساد و گزاف دروغ و ... و ... نیست کسی باور نمیکند و لو آنکه ادارات روابط عمومی هم تکذیب نامه صادر کنند.

ولی اگر میخواید فساد را ریشه کن کنید باید مردم را تأمین زندها بدهید تا بشما خبر بدهند که اوضاع از چه قرار است. جمله تأمین عدالت اجتماعی فقط برای قتمت کردن مر امانتاً حزب و یا برنامه دولت نیست، عدالت اجتماعی باید مصداق داشته باشد. عدالت اجتماعی عبارت از خاصیتی است که اگر وجود داشته مظلوم از شکایت کردن نمی ترسد، کسی را که حقش را گرفته اند از تعقیب خواسته های او اهمه ندارد. اگر عدالت اجتماعی برقرار باشد هر کسی فساد و نادرستی سراغ داشته باشد جرأت میکند که برود و آنرا آشکار کند و دچار این توهم نخواهد بود که اگر بروم و خبر بدهم خودم را خواهد گرفت و زردها و نادرستها برش من خواهند خندید. عدالت اجتماعی کالای وارداتی نیست و طرح ساختن آن هم نیست که اقدام با آن زمان لازم داشته باشد. همانگونه که اساس ظلم در اولین چشم پوشی از خطا نهاده میشود استقرار عدالت نیز از اولین اقدام صحیح آغاز میگردد. میگوئید امتحان بفرمائید، از همین مورد، نویسنده این نامدا نکذاردید طمع و یا تهدید کند. چند آدم حسابی بفرستید بدون آنکه هممان کسی بشوند حقیقت قضا را معلوم کنید. اگر نویسنده خلاف نوشته بود مجازاتش کنید و اگر درست گفته بود خطا کاران را مجازات نماید. نتیجه را هم سنیک نامه غیر اداری بما بنویسید تا مردم حقا و آزاده و با ما و شما همکاری کنند و بیخ فساد کننده شود.

سرزمینهای را که منبع این مواد اولیه و مراکز مناسب چنین بازارهای فروش میباشد از لوازم و وسائل ادامه حیات امیر یالیسم خود میدانسته و میداند. روش های سیاسی و تبلیغاتی و فرهنگی استعمارگران نیز دقیقاً منطبق بر این نحوه استنباط آنان از مسائل اقتصادی است. استعمارگران در یک بررسی عمیق و نهائی معتقد به تبدیل جهان به یک واحد بهم پیوسته اقتصادی بود خود هستند - واحد بهم پیوسته ای که سهم استعمارگران گرسنگی و مرگ تدریجی و اسارت میباشد سهم استعمارگران رفاه هر چه بیشتر و سود کلان و فراهم

محل اداره: میدان بهارستان تلفن: ۳۳۱۸۹
بهای آگهی: صفحه اول سطر ۵۰ ریال صفحه آخر سطر ۴۰ ریال صفحات داخل سطر ۳۰ ریال
چاپخانه بورس ۳۳۹۷۱ - ۳۳۹۵۰ تلگ شماره ۲۰ ریال

چکیده اخبار ایران

تخصیلات دانشگاه نینسپولونیا در جشن سالانه فارغ التحصیلان دانشگاه مذکور ضمن تظنی کوششهای شاهنشاه آریامهر را در بسط و توسعه فرهنگ ایران ستایش کرد.
طبق موافقت حاصله بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از تاریخ ۲۶ بهمن ۱۳۴۴ بهای رودبندین دو کشور برای اتباع طرفین لغوی گردد.
دیروز اطلاع داده شده که پنج کشتی حامل ۶۰ هزار تن کتدم خریداری شده از آمریکا و استرالیا در بنادر جنوب آماده تخلیه است.
شاهزاده دون ژوان کارلوس ولیعهد اسپانیا و همسرشان شاهزاده خانم صوفیا که بایران آمده اند دیروز از نقاط مختلف تهران دیدن کردند.
این بازدید از ساعت چهار تا چهار و چهل دقیقه بعد از ظهر طول کشید.

حقیقت اندیشه

در ویتنام جنوبی علیه افراد آمریکائی و ویتنام جنوبی سرگرم یکبارند که ۱۶ تا ۲۰ هزار نفر از این افراد را سر بازار ویتنام شمالی تشکیل میدهند و علاوه بر این یکصد و هفده هزار تن از چریکهای ویت کنگ بطور پراکنده در ویتنام علیه نیروهای آمریکائی و ویتنام جنوبی سرگرم فعالیت میباشند. از مجموع گفتههای ژنرال وست مورلند و بیانات رئیس جمهور آمریکا و معاون ریاست جمهوری و همچنین گفته های هریمین سفیر سیار آمریکا که ضمن تظنی گفته بود آمریکا با تمام قوای خود تا از برخورد با چین سرخ بپرهیزد چنین بر می آید که هنوز از دوجریان قوی و دو موج متضاد که در کنگر و سراسر محافل سیاسی و مطبوعاتی و جامعه امریکائی با یکدیگر رقابت می کنند یکی بردیکری پیروز و شکست و همچنین دیپلماسی جانسون میان انتخاب یکی از این دو نظر مردم مانده است و سعی بر آن دارد که شاید راه حلی میانه پیدا شود که تا حدی نظر دو قطب را تأمین نماید.

تفسیر سیاسی

گروهی از افراطیون امریکائی طرفدار تشدید جنگ در ویتنام جنوبی و بمباران ویتنام شمالی و حتی در صورت لزوم حمله به چین که نیست میباشند و تاکنون این گروه نتوانسته اند تاحدودی نظریات خود را بر جانسون یقولانند چنانکه بمباران ویتنام شمالی و افزایش نیروهای نظامی در ویتنام جنوبی را باید نتیجه فشار این دسته از طرفداران تشدید جنگ دانست.
گروه دیگری که خواهان پایان مداخله نظامی آمریکا در هندوچین و مخالفت سیاست جانسون میباشند عقیده دارند با عدم دخالت نظامی در هند و چین و ابراز محبت و دادن کمکهای اقتصادی و فنی به ویتنام شمالی می توان هوشی مینه را از تحت نفوذ چین خارج ساخت از جمله افراسرشناسی که جزو این گروه می باشد سناتور فولبرایت را باید نام برد او نیز مانند دیگر طرفداران این نظریه معتقد است که فشار دولت شوروی به هوشی مینه برای پذیرفتن متارکه جنگ و برقراری صلح در ویتنام ممکن است هوشی مینه را مبدل به تیغی آسیا کند و از تحت نفوذ چین خارج سازد و اقدامات اخیر جانسون و گفته های او و دیگر مقامات مسئول دولت امریکائیان میبدهد که پس از به نتیجه رسیدن عقاید طرفداران تشدید جنگ اینک بر فشار گروه صلح طلب افزوده

در شهرستانها

همدان
گروهی از فرهنگیان همدان بدفتر نمایندگی خاکو خون مراجعه کردند ضمن پشتیبانی ازندای ایران پرستانه خاکو خون در دفاع از نیرهای برون از مرز و ضمن اظهار تنفر از عملیات وحشیانه حکومت عراق نسبت بکردارها درخواست درج خواسته های خود بشرح زیر نموده اند:
۱- در مورد ترفیعات موقه آنها اقدام شود تا پس از تصویب قانون استخدام جدید دچار اشکال نشوند.
۲- وام ضروری، همانطور که در تهران پرداخت شده است در همدان هم پرداخت شود.
۳- نسبت بوضع بهداشت فرهنگیان بویژه آنها که بیمه نیستند توجه شود.
۴- مطالبات فرهنگیان از قبیل مزایای خارج از مرکز اضافه کار بیرون فوق العاده حق تاهل و حق اولاد که از سال ۴۲ تاکنون پرداخت نشده است تادیه شود.
۵- وضع اداره تربیت بدنی اصلاح گردد.
مانظر مقامات مسئول را بخواسته فرهنگیان همدان جلب می نمائیم.

روز یکشنبه نهم بهمن ماه ساعت یک و نیم بعد از ظهر در مقابل دبیرستان شاهدخت جوان مستی بنام احمدیکی از دانش آموزان این دبیرستان را مورد حمله قرار داده و با چاقو دختر دانش آموزی را بسختی مجروح نمود بطوریکه در بیمارستان زخم او را ۲۴ بخیه زدند. جوان مزبور توسط دبیران این دبیرستان در خیابان دستگیر و تحویل مقامات انتظامی شد. این واقعه در بین فرهنگیان اثر بی اندازه بدگذاشته است. با توجه بیارهای نامنیها مردم همدان از مقامات مسئول شهربانی خواستارند که توجه بیشتری با امنیت آن منطقه مبذول شود. ناگفته نماند که در موقع جلب جوان مزبور مدتها بدنبال مامور می گشتند تا سرانجام بوسیله تلفن از کلانتری برای دستگیری ضارب اقدام می کنند.
قریه کرد امیر شهریار

از انجمن همکاری خانه و مدرسه قریه کرد امیر شهریار گزارشی رسیده است مبنی بر اینکه کارکنان دبستان شش کلاس با ۱۸۵ دانش آموز فقط به یک نفر سرپرست دبستان منحصر گشته است. بقیه آموزگاران بدستور رئیس آموزش و پرورش شهریار بدیگر نقاط منتقل شده اند. بطوریکه ناگزیر برای جلوگیری از سرگردانی دانش آموزان، از خود دهقانان هر کس سواد خواندن و نوشتن دارد بآموزگاری مشغول گشته است و تقاضای رسیدگی بوضع خود را دارند.

چکیده اخبار جهان

دیروز چهارتن از کارشناسان اتمی پاکستان برای گذراندن يك دوره آموزشی از کراچی رهسپار کانادا شدند. هم اکنون يك کارخانه برق اتمی با کمک کارشناسان کانادائی در نزدیکی شهر کراچی در دست ساختمان است. نخستین راکتور اتمی پاکستان پنج ماه پیش در اسلام آباد آغاز بکار کرده است.

لودویک ارهارد صدراعظم آلمان غربی که بتازگی وارد پاریس شده است بعد از ظهر دیروز در کاخ الیزه باشا را دوکل رئیس جمهوری فرانسه ملاقات و گفتگو کرد.

در این مذاکرات که یک ساعت و پنجاه دقیقه طول کشید مسائل مهم بین المللی از جمله جنگ ویتنام مذاکراتی بعمل آوردند.

تسار لنینیک نماینده شوروی در کنفرانس خلع سلاح ژنو در یک مصاحبه مطبوعاتی به خبرنگاران گفت که امروز پیشنهاد های آلمان شرقی را درباره خلع سلاح به کنفرانس تسلیم خواهد کرد.

این پیشنهاد از طرف يك هیئت سه نفری که پریروز وارد ژنو گردید بنمایند شوروی داده شده است.

اعضای این هیئت بعنوان ناظر در جلسات کنفرانس خلع سلاح شرکت خواهند کرد.

تسار لنینیک حاضر نشد درباره جزئیات پیشنهاد های آلمان شرقی توضیحاتی بخیبر نگاران بدهد.

سلوین لوید سخنگوی حزب محافظه کار انگلستان دیروز برای تحقیق درباره اوضاع رود زیواراد این کشور شد.

مقامات شوروی در مورد گزارشهای مربوط به اینکه سفینه فضائی لوانی نهم پس از پایان برنامه تحقیقاتی خود باردیگر اطلاعاتی بپرامون اوضاع کره ماه بزمین مخابره خواهد کرد سکوت کرده اند.

رصد خانه جودرل بانک انگلستان گزارش داده است که یریشب لوانی نهم مدت ۸۱ دقیقه عکسهای تلویزیونی و اطلاعات جامعی بپرامون اوضاع کره ماه بزمین مخابره کرده است.

خبرنگار پروادا دیروز از هانوی گزارش داد که در سراسر مرزهای ویتنام شمالی مردم بساختن استحکامات نظامی پرداخته اند.

خبرنگار پروادا نوشته است در اطراف دهکده های ویتنام شمالی سنگرهای مستحکم برای دفاع در برابر حملات هوائی و زمینی ساخته شده است.

خبرگزاری رسمی شوروی گزارش داد لوانی نهم سفینه فضائی شوروی دیروز ماموریت تاریخی خود پایان داد.

این خبرگزاری افزود که لوانی نهم در مدتی که علائم و تصاویر را به کره زمین ارسال میداشت تقریباً کلیه اطلاعات مربوط بشرابط زندگی در کره ماه را مخابره کرد.

این خبرگزاری تاکید کرده که با ارسال آخرین علائم سفینه شوروی دیگر علائم بزمین مخابره نخواهد کرد.

تجاوز عمال

تا مایل بحفظ روابط حسنه حکومت عراق با ایران است؟
آیا توهین بمردم مسلمان ایران و آزار و اذیت شیعیان و ایرانیان مقیم عراق و کشتارهای فجیع گردان ایرانی نژاد وسایلی هستند که حکومت عراق برای جلب دوستی دولت و ملت ایران بر گزیده است؟
اکنون بار دیگر آشکاری گردید که حکومت دست نشانده عراق با این نحوه آندیشیدن و آن طرز رفتار نمی تواند نمابنده مردم عراق باشد که اکثریت آنان را گردان آریائی و ایرانیان و دیگر افراد غیر عرب تشکیل میدهند لکن این حکومت قصد آن دارد که اقلیتی را بناحق بسراکثرت ساکنان این سرزمین مسلط سازد و آشکارا به حقوق ایرانیان تجاوز نماید.

مباحث ناسیونالیسم

را در خود داشته باشند.
از نظریه حزب سیاسی همه این عوامل را باید در چهار چوب ایدئولوژی جستجو کرد.
ایدئولوژی دارای مفهوم عمیق و گسترده ایست که خود بخشی جدا و سخنی جدا گانه می خواهد بود بطور خلاصه میتوان گفت که ایدئولوژی عنصر تلفیق آرمان ها و اندیشه های يك حزب است و مراد از اندیشه در این جا عبارت از راه حل های سیاسی و اجتماعی است.
باز گر این مقدمه مختصر درمی یابیم که حزب بمفهوم واقعی و حقیقی خود عبارت از سیستمی از تجمع افراد و تجهیز و بسیج آنها برای تحقق بخشیدن بآرمانهای مشخص فزینی درختن نظامی نو می باشد.
در این سازمان افراد سولوی از یک حزب خود می باشند، از جان و دل نظم و دیسیپلین حزبی را می پذیرند و در اجراء دستورهای حزبی می کوشند. پس حزب دارای جایگاه مشخص و عناصر مشکله مشخص می باشد.

با اعتقاد باینکه حزب عبارت است از تجمع افراد و تربیت آنها با ایدئولوژی و پر نسیب مشخص فکری و تجهیز و بسیج آنها برای ایفاء نقش رهبری، می توان گفت که اصولا در ایران بیش از دو حزب وجود نداشته و ندارد. یکی حزب مارکسیست، کمونیست بوده با همه ملحقیات آن است که روال و خط مشی معینی داشته و مجهز و باندیشه ضد ملی و غیر ایرانی و الهام گیرنده از منابع بیرون از مرز می باشد و دیگر حزب پان ایرانیست می باشد که متکی بجهان بینی ناسیونالیسم است.

بعد از اینکه سنت حزب سازی در کشور ما رواج یافت، احزاب خلق الساعه بسیاری در ساحت این مملکت قید بر افراشتند که بسیاری از آنها پس از مدتی برای همیشه از میان رفتند و از خاطر ها نیز فراموش شدند و تعدادی دیگر نیز ظاهراً وجود دارند و کم و بیش بوجه معین و در تحت عوامل بسیار فعالیت های می نمایند.

از نظر اصول به هیچیک از آنها چه آن احزابیکه توسط دولتها بوجود آمدند و چه آنهایکه دست مبارزه منفی بخود می گیرند عنوان یک حزب سیاسی را نمی توان داد. احزابی که توسط دولتها بوجود آمده اند در واقع تجمعی از مسئولان امور ویا کسان دیگری است که طالب آنند در سلک گردانندگان امور باشند و تنها منافع مشترکی که این گروه ها را بهم می پیوندند و گره می زند کاریابی ویا ارتقاء درجه و مقام است و تنها چیزی که متاسفانه در این گونه احزاب در مد نظر نمی باشد شناسائی ملت و حقوق و منافع و مصالح وابسته بآن هدف علی و تجهیز نیروهای ملت در سمت و جهت خواسته ها و آرمانهای تاریخی است.

هیچکس نه مردمی که ناظر باحوال آن حزب می باشند و نه افرادی که افتخار عضویت آن را دارند توقعی بجز آنکه گفته شد ندارند و این بازی را بپیزی نمی گیرند. اینگونه احزاب عمری طولانی تر از ورزش بادهای موسمی که در فصلی معین می وزند و بموقع معین از وزیدن می ایستند ندارند و تراژدی بزرگ نا بسامانها، ناکامیها و سر خوردگی های ملت مادر این پنجاه سال اخیر چیزی جز این نبوده و علی جز این نداشته است که آنچه بنام حزب در این کشور قید بر افراشته است و در عرصه سیاست روز سر کشیده است بدکانهای سیاسی و بنگاههای کارگشائی و یا محفل و انجمن دوستانه بیشتر شباهت داشته با بجزب در مغموم ویژه باشند.

نیز در آن خون که نریز و بر راه پاسداری لیزخاک

بقیه سر مقاله

برنامه های استعماری و ضد ایرانی بوده است - سفیر حکومتی که طی چهل سال گذشته دست عمال و کارگزاران و مسئولان نامرفق بخون ایرانی نژادان و هر عنصر غیر عرب سرزمین عراق آغشته شده است، درست در زمانی که نوامرزی ایران دچار حملات پیاپی چنگد ها و نیروهای شکاری این «حکومت مخلوق استعمار» قرار میگردد، بهران می آید و مورد استقبال مأموران وزارت خارجه نیز واقع میشود!

وزیر خارجه ایران پس از سکوت سالان بسیار مقامات مسئول، بدنبال احساسات بر آتیکخته و افکار بیدار شده مردم، در مجلس شورا و سنا از تجاوز و تعدی مستمر «حکومت عراق» بحقوق ملت ایران سخن میگوید، و حکومت عراق همچنان ب همان تعدیات دیرینه خود ادامه میدهد - همچنان دست در دست سیاست هائی که آشکارا تجاوز بحقوق ملت ایران را وجهه همت خود قرار داده اند نگذاشته است، و در پیمانی که بقصد تجاوز بحقوق ملت ایران، بقصد از پای در آوردن شاخه های نژادی و فرهنگی ملت ایران در این منطقه منعقد گردیده است شرکت دارد و آنگاه، ماهمچنان به سخنان سفیر این «حکومت» دل خوش میداریم که آنان از راه دشمنی دیرینه منصرف گردیده اند و بطریق دوستی و واداسر سپرده اند!

ما بارها این حقیقت را تکرار کرده ایم که: دوستی با ملت ایران تنها با سخن و گفتار ممکن نیست - چگونه ممکن است حکومتی دوست و همراه ملت ایران باشد، در حالیکه همچنان روش های دیرینه خود را بر ضد ملت ایران و همه عناصر وابسته بدین ملت دنبال میکند - چگونه ممکن است «حکومت عراق» با اصول سیاست ملی ایران و با آرمانهای مترقی و صلح جویانه ملت ایران در این منطقه از جهان هم آهنگ باشد در حالیکه هنوز خود را جزئی از فدراسیون عربی میدانند و اجراء طرح های تجاوز آمیز دشمنان ملت ایران و متعرضین به صلح و آسایش و حقوق مردم آسیای میانه را هدف همه کوششهای خود قرار داده اند؛ چگونه ممکن است «حکومت عراق» در طریق دوستی با نژاد و فرهنگ آریائی در این منطقه باشد، در حالیکه از ابتدا تاکنون، دقیقاً خود را عنصری مطیع برای هر گونه اقدام و توطئه ضد ایرانی قرار داده است؟

چگونه ممکن است «حکومت عراق» با راه زندگی و اصول حیثیت و شرف ملی ایران هم آهنگی داشته باشد، در حالیکه قتل عام کردها، تجاوز و تعدی بشیعیان عراق، نفی بلند و مصادره اموال اتباع دولت شاهنشاهی ایران در عراق، آهنگی با توطئه های ضد ایرانی و برنامه های استعمار در خلیج فارس از هدفهای آشکار و اعلام شده «حکومت عراق» است؟ این هدفهایی است که از بدو تاسیس تاکنون، حکومت عراق بخصوص، «حکومت عارف» دنبال میکند، ولی «حکومت عراق» همواره از یک روش مفید بحال خود و مضربحال ملت ایران استفاده کرده است که آن نیز «سیاست اغفال بوده است».

گردانندگان «حکومت عراق» همواره کوشیده اند با استفاده از خوش باوریهای عناصر مسئول سازمانهای حاکمه ایران، در حالی که دشنه خون آلودی را که بر بیکره ملت ایران میکوبند در دست آنها است، با دستی دیگر بعنوان دوستی و همکاری دست ما را بفشارند - آنها میخواهند ما را اغفال کنند تا ما چون سالان گذشته هر زمان مناسب و هر فرصت مستعدی را از دست بدهیم - آنها میخواهند با این سخنان بیهوده و بی اساس ما را فریب دهند تا ما از احوال سیاست ملی خود و از دفاع از شاخه های نژادی و فرهنگی و حقوق تاریخی خویش غافل گردیم.

چنین سیاست اغفال و فریبی در این روزهای اخیر از سوی عمال حکومت عراق دنبال گردید و یکبار دیگر برخی از مسئولان دچار همان خوش باوریه شدند.

اما چه زود نقاب از چهره این سیاست اغفال برداشته شد و چهره دژ «طبیعت ضد ایرانی حکومت عراق» نمودار گردید.

در حالیکه خوش باوران دستگاه حاکمه ایران و سفیر عراق دم از صلح و دوستی و مذاکرات دوستانه! میزنند - سخنگوی «حکومت عراق» در حضور عارف، همان یاوه ها و ترهات گذشته را علیه ملت ایران تکرار میکنند و مهمتر آنکه «البزاز» بقاهره میروند و «عارف» نیز قصد عزیمت بقاهره و پای بوسی عبدالناصر، این دشمن خون آشام ملت ایران را دارد.

پس چگونه میخواهید بدوستی البزاز و عارف اعتماد کنید؟ چگونه می خواهید دست خون آلود «حکومت عراق» را بفشارید؟ مگر نه آن است که در این بحرانی ترین شرایط، گردانندگان «حکومت عراق» برای تعیین خط مشی خود در این منطقه بقاهره میروند؛ مگر نه این است که شرکت عارف در کمیته سیاسی «فدراسیون عربی» در قاهره، یعنی شرکت در خطر نا کمترین کانون توطئه علیه موجودیت ملت ایران؟ بنا بر این چگونه میتوان به حکومتی که تا گردن غرق در منجلابی از توطئه و تحریک علیه ملت ایران است و اقدامات ضد انسانی و ضد ایرانی او تاکنون در این منطقه سابقه ای چنین هولناک و خونین نداشته است اعتماد کرد؟ بگذارید، ملت ایران، «سیاست اغفال» حکومت عراق و حامیان او را دریابد، بگذارید ما برای حفظ موجودیت خود در این منطقه از جهان با واقیعت توجه داشته باشیم نه خوش باوریهای خانمانسوز.